



۱۱. رویکرد زیست بومی باید تمامی اشکال اطلاعات مرتبط شامل علمی، بومی و دانش، نوآوریها و

تجارب محلی را در نظر بگیرد.

- برای تهیه راهبردهای مدیریت زیست بومی کارآ، اطلاعات کلیه منابع مهم و حیاتی است
- دانش بهتری از کارکردهای زیست بوم و اثرات ناشی از بهره برداری انسان مورد نیاز است
- هر گونه اطلاعات مرتبط باید در اختیار کلیه دست اندرکاران گذارده شود تا مفروضات در پس تصمیمات مدیریتی صراحت یابند

۱۲. رویکرد زیست بومی باید کلیه بخشهای مرتبط جامعه و مراجع علمی را دخیل نماید.

- بیشتر مسایل مدیریت تنوع زیستی پیچیده هستند همراه با کنش های متقابل، اثرات جانبی و پیامدهای متعدد
- لذا متخصصان و دست اندرکاران مرتبط در سطوح محلی، ملی و بالاتر، در صورت نیاز باید درگیر شوند

سازماندهی اصول

۱۲ اصل رویکرد زیست بومی، در ۵ گام سازماندهی شده اند، که هر گام طیفی از فعالیتها را وارد می سازد. ۵ گام اجرای رویکرد زیست بومی به شرح زیر می باشند:

- گام اول- تعیین ذینفعان اصلی، تعیین گستره زیست بوم و یافتن ارتباط بین آنها
- گام دوم- تعیین ساختار و کارکرد زیست بوم، و به کارگیری سازوکارهایی برای مدیریت و پایش آن
- گام سوم- تعیین موضوعات اقتصادی مهمی که بر زیست بوم و ساکنان آن تأثیرگذار می باشند
- گام چهارم- تعیین اثرات احتمالی زیست بوم بر زیست بومهای مجاور
- گام پنجم- تصمیم گیری در خصوص اهداف بلند مدت و شیوه های انعطاف پذیر دستیابی به آنها

۷. رویکرد زیست بومی باید در مقیاس فضایی و زمانی مناسب به کار گرفته شود.

- در محدوده مقیاسهای مکانی و زمانی که متناسب با اهداف هستند قرار می گیرد
- مرزهای مدیریت بطور عملیاتی توسط کاربران، مدیران، دانشمندان و مردم محلی تعریف می شود
- رویکرد زیست بومی بر اساس ماهیت سلسله مراتبی تنوع زیستی (ژن، گونه، زیست بوم) می باشد

۸. با در نظر گرفتن مقیاسهای زمانی و اثرات تأخیری که شکل دهنده فرایندهای زیست بوم

هستند، اهداف مدیریت زیست بومی باید به صورت بلند مدت تنظیم گردد.

- فرایندهای زیست بومی توسط مقیاس های زمانی متغیر و اثرات تأخیری مشخص می شود
- این حالت با گرایش انسانها به ترجیح دادن منافع فوری و کوتاه مدت بر نتایج درازمدت تعارض دارد

۹. اجتناب ناپذیر بودن تغییرات باید در مدیریت مورد توجه قرار گیرد.

- زیست بومها تغییر می کنند که این تغییر شامل ترکیب گونه ها و فراوانی جمعیت آنها می شود
- مدیریت می بایست با این تغییرات انطباق یابد
- به منظور پیش بینی و پاسخگویی به تغییرات و رویدادها و برای احتیاط در هر تصمیم گیری که ممکن است باعث سلب گزینه ها شود و در عین حال در نظر گرفتن اقدامات تخفیفی برای فایق آمدن بر تغییرات درازمدت مانند تغییر اقلیم، رویکرد زیست بومی می بایست بر پایه مدیریت انعطافی و مشارکتی قرار گیرد

۱۰. رویکرد زیست بومی باید به دنبال برقراری تعادل و تلفیق حفاظت و بهره برداری خردمندان

از تنوع زیستی باشد.

- تنوع زیستی هم از نظر ارزش ذاتیش و هم بلحاظ نقش کلیدی در تامین زیست بوم و خدمات دیگری که ما به آنها وابسته هستیم، بسیار مهم است
- در گذشته، گرایش بر این بود که اجزای تنوع زیستی یا بعنوان حمایت شده یا حمایت نشده مدیریت شود. اما اکنون نیاز به تغییر این نگاه به شرایط منعطف تری است که حفاظت و بهره برداری در چارچوب دیده می شود و دامنه کامل اقدامات در بازه ای از زیست بومهای بشدت حمایت شده تا انسان ساخت قرار می گیرد

مدیریت زیست بومی

مدیریت زیست بومی مبتنی بر رویکرد جامع، یک استراتژی برای مدیریت یکپارچه منابع زمین، آب و معیشت می باشد که حفاظت و استفاده پایدار را به شیوه متعادل گسترش می دهد. این رویکرد، چارچوب اولیه برای اقدام تحت کتوانسیون تنوع زیستی است و دارای ۱۲ اصل می باشد. به منظور تبیین این رویکرد و ایجاد زمینه های اجرایی آن، طبقه بندی از ارکان و اصول مدیریت و رویکرد آن لازم می باشد که در این مورد تلاشهای متعددی صورت گرفته است.

رویکرد زیست بومی، مردم و نوع بهره برداری آنها از منابع طبیعی را دقیقاً در مرکز تصمیم سازی قرار می دهد. به همین دلیل می تواند برای یافتن توازن متناسبی بین حفاظت و بهره برداری از تنوع زیستی در مناطقی که هم کاربران متعدد منابع و هم ارزشهای مهم طبیعی وجود دارند، مورد استفاده قرار گیرد. بنابراین، مدیریت زیست بومی و رویکرد آن، قابلیت استفاده موثر را برای تصمیم گیران توسعه ای، فعالان بخش های مختلف اقتصادی، برنامه ریزان و مدیران و کارشناسان محیط زیست دارا می باشد.



عکس: علی مهاجران

دوازده اصل رویکرد زیست بومی

۱. اهداف مدیریت سرزمین، آب و منابع زیستی، مسأله انتخاب اجتماعی است.

- بخش های مختلف جامعه، زیست بومها را بر حسب نیازها و منافع اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی می نگرند
- مردم محلی، تصمیم گیران محلی، تصمیم گیران ملی و سایر بخشهای دولتی، دست اندرکاران مختلف می باشند
- تحلیل دست اندرکاران امری ضروریست
- گزینه های روشن مدیریت زیست بومی، به نحوی است که ارزشهای ذاتی و منافع محسوس و نامحسوس برای انسانها بطور منصفانه و عادلانه توزیع شود

۲. مدیریت باید به پایین ترین سطوح ممکن تمرکززدایی شود.

- نظام غیر متمرکز به کارایی، اثر بخشی و عدالت بیشتر منجر می شود
- شامل همه دست اندرکاران باشد
- توازن بین منافع محلی و منافع عمومی برقرار گردد
- هر چه مدیریت نزدیکتر به زیست بوم باشد، مسوولیت، مالکیت، پاسخگویی، مشارکت و استفاده از دانش محلی بیشتر می شود

۳. مدیران زیست بوم باید اثرات بالقوه و بالفعل فعالیت های خود بر زیست بومهای همجوار و سایر زیست بومها را در نظر بگیرند.

- مداخلات مدیریتی در زیست بومها اغلب دارای اثرات ناشناخته و غیر قابل پیش بینی بر دیگر زیست بومها می باشد.

۴. با در نظر گرفتن منافع حاصل از مدیریت، مدیران باید زیست بوم را از دیدگاه اقتصادی درک نموده و مدیریت نمایند. چنین برنامه های مدیریت زیست بومی باید موارد ذیل را در برداشته باشند:

a. کاهش انحرافات بازار که بر تنوع زیستی اثرات سوء دارند

b. تخصیص مشوقهایی در راستای ارتقا حفاظت تنوع زیستی و بهره برداری پایدار

c. امکان داخلی نمودن هزینه ها و منافع در درون زیست بوم تا حد ممکن

بزرگترین تهدید تنوع زیستی در تغییر کاربری اراضی و اجرای کاربری ناسازگار با محیط زیست می باشد. این امر اغلب ناشی از تحریف بازار می باشد زیرا ارزش زیست بومها و گونه ها بسیار کم محاسبه می شود. در عین حال مشوقها و یارانه های مختلف برای تبدیل اراضی به سیستمهای با تنوع کمتر برقرار می شود. آنها که از تبدیل اراضی سود می برند هزینه های ناشی از تبدیل را تقبل نمی کنند. آنها نیز که هزینه های محیط زیستی (آلودگی) را تولید می کنند از مسوولیت خود شانه خالی می کنند. تنظیم مشوق ها اجازه می دهد تا آنها که منابع را کنترل می کنند، بهره مند شوند و اطمینان می بخشد که آنهايي که هزینه محیط زیستی تولید می کنند آنها جبران نمایند.

۵. حفاظت از ساختار و کارکردهای زیست بوم به منظور بقا: خدمات اکوسیستم باید یکی از اهداف اولویت دار مدیریت زیست بومی باشد.

- کارکرد و توان انعطاف پذیری و برگشت پذیری زیست بوم به روابط پویای درون و بین گونه ها، و بین گونه ها و محیط بیجانشان و هم چنین کنش های متقابل فیزیکی و شیمیایی در داخل محیط زیست بستگی دارد
- حفظ، و هر جا که مناسب باشد، احیا چنین کنش های متقابل و فرایندهایی برای حفاظت درازمدت تنوع زیستی از اهمیت بیشتری برخوردار است تا حراست ساده از گونه ها

۶. زیست بومها باید در محدوده کارکردهای خود مدیریت شوند.

- با توجه به محتمل بودن یا سهولت دستیابی به اهداف مدیریتی، می بایست به شرایط محیط زیستی توجه نمود که بهره وری طبیعی، ساختار، کارکرد و تنوع زیست بوم را محدود می کند
- محدودیت ها در مورد کارکرد زیست بوم ممکن است به درجات مختلف تحت تاثیر شرایط موقت و غیر قابل پیش بینی بودن شرایط مصنوعی نگهداشته شده قرارگیرد و بدین ترتیب مدیریت می بایست بطور متناسبی محتاط باشد

